

## دیالکتیک هویت و نجات در متون مقدس ابراهیمی<sup>۱</sup>

یاسر آئین<sup>۲</sup> منصور معتمدی<sup>۳</sup> مهدی حسن زاده<sup>۴</sup>

### چکیده

سنت‌های دینی اغلب دست‌اندرکار هویت‌بخشیدن به ایمان در قالب ایجاد میان‌ذهنی راجع به حقیقت و نجات بوده‌اند. این تمهید، نه تنها به لحاظ الهیاتی از هسته کانونی پیام دین و عنصر مشروعیت‌بخش آن محافظت می‌کند، در ساحت اجتماعی نیز باعث تمایز اعضای جامعه دینی با دیگران شده و ملاکی برای داوری درباره انتساب افراد به آن دین پدید می‌آورد. تا آنجا که به متون مقدس ابراهیمی مربوط می‌شود، مختصات رابطه مومنان با خدا، بر تصور آنان نسبت به رستگاری و نیز بر کیفیت ارتباط آنان با دیگر گروه‌های بشری تأثیرگذار بوده و تحول این تصور در طول زمان، باعث پدید آمدن ایده‌های متفاوتی درباره هویت و نجات در سنت یکتاپرستی گردیده است. در این مقاله، با استفاده از روش معناشناختی ایزوتسو، میدان معنایی هویت و نجات در کتاب مقدس عبری، عهد جدید و قرآن بررسی شده و برای فهم جهان‌بینی معناشناختی حاکم بر آن‌ها تلاش شده است. همچنین، به تکامل رویکردهای نجات‌شناختی در هرمنوتیک متون مقدس ادیان ابراهیمی، در قالب بازتفسیر دیالکتیکی میراث معنوی ابراهیم در این سه دین پرداخته شده است.

### کلیدواژه‌ها

هرمنوتیک متن مقدس، تاریخ رستگاری، کتاب مقدس عبری، عهد جدید، قرآن، انحصارگرایی، شمول‌گرایی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

۲. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. yaser.aein@mail.um.ac.ir

۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). motamedi@um.ac.ir

۴. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. hasanzadeh@um.ac.ir

## ۱. مقدمه

هویت بخشی به ایمان در قالب ترسیم میان ذهنیتی برای گروه مؤمنان در رابطه با حقیقت و نجات، بخش جدایی ناپذیری از سنت های دینی را تشکیل می دهد. این گونه نظرورزی که مفهوم هویت دینی<sup>۱</sup> را به ایده های ایمانی در باب رستگاری<sup>۲</sup> پیوند می دهند، در ساحت الاهیات و نیز علوم اجتماعی مورد توجه است.<sup>۳</sup> در چشم انداز الاهیاتی، آنچه به عنوان راست کیشی شناخته می شود - به ویژه در سنت هایی که عقاید و آموزه ها نسبت به شعائر و مناسک از تأکید بیشتری برخوردارند - به طور مستقیم با این مسئله سروکار دارد که چه باورهایی درباره خداوند یا حقیقت مطلق و غایی موجه و ضروری است. در این راستا، راست کیشی همواره با ترسیم مرز میان باورمندان و ناباوران یا بدعت گذاران، از هسته کانونی دین و عنصر مشروعیت بخش آن محافظت می کند. همچنین، از آنجا که سنت های دینی از اساس به مثابه طریقه ای به سوی نجات ظاهر شده و متضمن پاسخی به دغدغه بنیادین رستگاری قلمداد می شوند، تنها کسانی که از هویت دینی برخوردار باشند در شمار نجات یافتگان به شمار خواهند رفت. بدین ترتیب، از آنجا که هر رهیافت الهیاتی نمی تواند از پیش فرض های اساسی در رابطه با قضاوت نهایی درباره سرنوشت افراد برکنار باشد، هر گونه گفتگو راجع به هویت دینی به ناچار بحث درباره آموزه های نجات شناسانه را نیز دربر خواهد داشت. از منظر علوم اجتماعی نیز گفتگو درباره هویت دینی علاوه بر این که مرز - و به تبع آن احساس - تمایز پیروان یک دین با دیگران را برجسته می سازد، می تواند امکان مناسبی برای شناخت و ارزیابی جنبه های مختلف کنش های باورمندان در زیست اجتماعی آنان فراهم آورد. این مرز گذاری های الاهیاتی و اجتماعی در روایتی که هر سنت دینی راجع به تاریخ در میان می نهد، با یکدیگر تلاقی می کنند؛ چنین روایتی که از آن با عنوان «تاریخ رستگاری»<sup>۴</sup>

۲  
پژوهشنامه ادیان

سال هفدهم، شماره سی و سه، بهار و تابستان ۱۴۰۲

1. religious identity

2. salvation

3. Brecht, M., "Soteriological Privilege", *Comparative Theology in the Millennial Classroom: Hybrid Identities, Negotiated Boundaries*, New York, Routledge, 2015, p. 85-90.

4. Heilsgeschichte (Salvation history)

یاد می‌شود، متکفل تشریح مسیر متمایزی است که برگزیدگان آن سنت برای تحقق کمال و نجات مشغول پیمودن آن در تاریخ هستند. بر این اساس، هر تاریخ‌رستگاری از یک سو مرزهای آن سنت با دیگر سنت‌های دینی را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر بر نقش بی‌بدیل و ارزشمند آن سنت در معنا بخشیدن به «تاریخ جهان»<sup>۱</sup> تأکید می‌کند. تاریخ‌رستگاری که گفتگو راجع به آن، به زعم دیل هیوز به محافل جنوب آلمان در اواسط قرن هجدهم بازمی‌گردد<sup>۲</sup> اما یاربرو آن را به ایده‌پردازی ون‌هافمن در میانه قرن نوزدهم مرتبط می‌داند،<sup>۳</sup> به مباحثاتی پردامنه در بین مفسران کتاب مقدس دامن زده که از آن میان، تقابل دیدگاه‌های بولتمان و کولمان بر سر تفسیر وجودی یا تاریخی عهد جدید قابل توجه است.<sup>۴</sup> کاسمان که می‌توان وی را ضلع سوم بحث سنتی اخیر به شمار آورد، راجع به کارکرد این مفهوم خاطر نشان ساخته که «[یاور به] تاریخ‌رستگاری سبب می‌شود تا شخص همواره خود را در سمت امن [تاریخ] قلمداد کند».<sup>۵</sup>

تاریخ پرفرازونشیب ادیان ابراهیمی، علاوه بر تجربه‌های هم‌زیستی و دادوستد متقابل، آکنده از تنش‌هایی است که بر اثر ذهنیت‌های متخاصم پیروان آن‌ها نسبت به یکدیگر پدید آمده و خاطرات آن همچنان در حافظه نسل‌های معاصر باقی مانده است. ایجاد ممنوعیت در ارتباطات و بهره‌مندی‌های اجتماعی از جمله ازدواج و شهروندی، تفتیش عقاید و اجبار به تغییر کیش، طرد و تکفیر دانشمندان و صاحبان حرف و مشاغل و نیز توجیه جنگ‌ها و کشتارهای گسترده بر اساس آموزه‌های مذهبی از جمله بارزترین جلوه‌های خشونت‌آمیزی است که بیش‌و کم در تاریخ این ادیان روی داده و رد پای

1. Weltgeschichte (World history)
2. Dale Hughes, H., "Salvation-History as Hermeneutic", *Evangelical Quarterly: An International Review of Bible and Theology*, 1976, 48(2), p. 79.
3. Yarbrough, R., Paul and Salvation History. In *Justification and variegated nomism*, Tubingen, Mohr Siebeck, 2004, p. 310.
4. Hays, R. B., *The faith of Jesus Christ: the narrative substructure of Galatians 3:1-4:11*, Dearborn, W.B. Eerdmans, 2002, p. 52.
5. Wright, N. T., *Paul and the Faithfulness of God*, Minneapolis, Fortress Press, 2013, p. 468.

کشمکش بر سر هویت و نجات در آن‌ها قابل مشاهده است. متون مقدس ابراهیمی نیز صرف نظر از بخش‌هایی که مروج خشونت به نظر رسیده و یا قسمت‌هایی که می‌توانند حامی صلح قلمداد شوند، در بردارنده گفتگوهای در باب هویت دین‌داران و مشخصات رستگاران است. این گفتگوها که از اهمیت رابطه میان حقیقت و نجات در صدر تاریخ هر یک از این ادیان حکایت دارند، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هر دین و تمایز باورمندان آن از سنت پیشین و هویت‌های اجتماعی رقیب، به ویژه در دوره باستان متأخر، داشته‌اند.<sup>۱</sup>

بازخوانی متون مقدس به مثابه مرجع مشروعیت‌بخش و تأثیرگذار در باورها و رفتار دین‌داران، برای شناخت هویت دینی و تحلیل ارتباطات اجتماعی آنان در جوامع معاصر نیز اهمیت دارد. در شرایطی که سنت‌های دینی در نتیجه برهم‌کنش عوامل محلی و جهانی ناچار به بازسازی شده و هویت‌های دینی جدید از میان گزینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و یا مبتنی بر ترکیبی از آنان سربرمی‌آورند، متون مقدس همچنان به عنوان منبعی بی‌جایگزین و یا دست‌کم عنصری غیرقابل چشم‌پوشی در فرایند هویت‌یابی و حفظ ارتباط دین‌داران با گذشته در نظر گرفته می‌شوند. روایاتی که در متون مقدس ابراهیمی درباره زندگی و زمانه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان نخستین گنجانده شده، از سوی باورمندان کنونی تنها به عنوان اطلاعاتی تاریخی درباره هویت و سرگذشت اقوامی خاص در یک دوره زمانی مشخص فهمیده نمی‌شود؛ بلکه مطالعه مستمر این متون در زمان حاضر سبب می‌شود ذهنیت‌ها، احساسات و الگوهای رفتاری مربوط به آن زمان به دوره معاصر نیز راه پیدا کرده و تفسیر مکرر آن‌ها در زمینه موضوعات و مسائل نوپدید، مرزهای هویت پیروان این سه دین در جوامع فعلی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، متن مقدس به جز الهام‌بخشی به مؤمنان در باورداشتی یکتاپرستانه نسبت به هستی و حیات، الگوهای متعارفی درباره شناخت اجتماعی و شیوه تعامل با دیگران در اختیار آنان می‌گذارد. بدین ترتیب، بررسی جهان

1. Ludlo, M. & Flower, R., *Rhetoric and Religious Identity in Late Antiquity*, New York, Oxford University Press, 2020, p. 24.

ذهنی متون مقدس و صورت‌بندی‌های اولیه راجع به حقیقت و نجات که در آنها منعکس شده، برای درک هویت‌های دینی در زمان ما نیز اهمیت دارد. در این مقاله، بر عناصر شکل‌دهنده هویت دینی در متون مقدس یهودی، مسیحی و اسلامی تمرکز خواهیم کرد و می‌کوشیم رابطه میان صورت‌بندی‌های مرتبط با این مفهوم را با ایده‌های برگزیدگی و نجات توضیح دهیم.

## ۲. ادبیات موضوع و مبانی نظری

هویت و نجات در گستره وسیعی از چشم‌اندازهای الهیاتی مورد توجه قرار گرفته و بررسی آن بخش جدایی‌ناپذیری از مباحثات مربوط به گفت‌وگوهای مهم معاصر از جمله سکولاریزم، ملی‌گرایی و بنیادگرایی را تشکیل داده است. در این میان، شاید بتوان ادبیاتی را که با نام «الهیات ناظر به تنوع ادیان» شناخته می‌شود، به‌عنوان خاستگاه الهیاتی این موضوع برشمرد. این نوع الهیات، تبیینی از محتوا و ارزش‌های سایر ادیان ارائه می‌کند و چگونگی ارتباط با پیروان آنها و نیز معنایی را که زندگی در پرتو آموزه‌های آن دین به دنبال دارد، مورد تأمل قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

مواجهه با ادیان و مذاهب مختلف و توجه به مغایرت آموزه‌ها و دعاوی آنها و نیز نگرانی‌های مربوط به اشکال ناگوار و خشونت‌آمیز مواجهه میان پیروان آنها منجر به شکل‌گیری دغدغه‌ها و رویکردهای تجدیدنظرطلبانه‌ای شد که در الهیات مسیحی اواخر قرن بیستم بازتاب یافت.<sup>۲</sup> با وجود این که پرسش از اختلاف راه‌های معنوی و طریق رسیدن به وحدت از دیرباز در سنت‌های شرقی و تعالیم عرفانی مورد توجه بوده و ایده وحدت متعالی ادیان<sup>۳</sup> نیز همواره در طول قرون از سوی نخبگان انگشت‌شماری دنبال شده است که علاوه بر احاطه بر میراث دینی خود با افق‌های معنوی دیگر نیز آشنا

۵  
پوششنامه ادیان

دیالکتیک هویت و نجات در متون مقدس ابراهیمی

1. Kärkkäinen, V., *An introduction to the theology of religions: Biblical, historical, and contemporary perspectives*, Illinois, InterVarsity Press, 2003, p. 20.
2. D'Costa, D., "Christian theology and other faiths", *Routledge Encyclopedia of Theology*, New York, Routledge, 2003, p. 292.
3. Transcendental unity of religions

بوده‌اند، صورت‌بندی رویکردهای ممکن به تنوع ادیان را نخستین بار متفکران مسیحی و در چالش با انحصارطلبی کلیسایی رقم زدند. چنانچه دیدگاه جان هیک<sup>۱</sup> را که مبتنی بر تمایزی کانتی میان نمودها و پدیدارها از کثرت‌گرایی دینی<sup>۲</sup> دفاع می‌کند در یک سوی طیف قرار دهیم، در سوی دیگر آن دیدگاه کسانی چون آلون پلنتینگا<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد که هم‌سو با تعالیم راست‌کیشانه کلیسا و مبتنی بر میراث فکری آکویناس و کالون، موضعی مبتنی بر انحصارگرایی دینی<sup>۴</sup> اتخاذ می‌کنند؛ اگرچه دیدگاه‌های میانه‌ای نیز ابراز شده‌اند که به‌ویژه با تفکیک میان دو عنصر حقیقت و نجات، اشکالی از شمول‌گرایی دینی<sup>۵</sup> را در رابطه با تنوع ادیان مطرح ساخته‌اند. در ادامه، بحث‌های پردامنه‌ای درباره رویکردهای انحصارگرایی، تکثرگرایی و شمول‌گرایی در میان دین‌پژوهان و الاهیدانان ادیان جریان یافته و تلاش‌های متعددی برای ارزیابی این رویکردها با ادیان مختلف و شیوه مواجهه با «دیگری دینی»<sup>۶</sup> انجام پذیرفته است؛ خارج از دایره متفکران مسیحی، در این زمینه آثار دین‌پژوهانی از جمله کوهن - شرباک<sup>۷</sup>، تیروش - ساموئلسن<sup>۸</sup> و بریل<sup>۹</sup> در یهودیت و لگنهاوزن<sup>۱۰</sup> و ساشادینا<sup>۱۱</sup> در اسلام قابل توجه است.

1. Hick, J., *An Interpretation of Religion: Human Responses to the Transcendent*, New York, Palgrave Macmillan, Second edition, 2004, p. 233.
2. religious pluralism
3. Plantinga, A., "Pluralism: A Defense of Religious Exclusivism", *The philosophical challenge of religious diversity*, Philip L. Quinn and Kevin Meeker (eds.), New York, Oxford University Press, 2000, p. 172.
4. religious exclusivism
5. religious inclusivism
6. religious otherness
7. Cohn-Sherbok, D., *Judaism and Other Faiths*, London, MacMillan, 1994.
8. Tirosh-Samuelson, H., "A Jewish Perspective on Religious Pluralism", *Macalester International*, 8(11), 2000.
9. Brill, A., *Judaism and world religions: encountering Christianity, Islam, and Eastern traditions*, New York, Palgrave Macmillan, 2012.
10. Legenhausen, M., *Islam and Religious Pluralism*. London, Al-Hoda, 1999.
11. Sachedina, A., *the Islamic roots of democratic pluralism*. New York, Oxford, 2001.

در رابطه با ادیان ابراهیمی، گفتگو درباره هویت و تنوع دینی با ادبیات خاص تری دنبال شده است. در مقایسه با مدل رویکردهای سه گانه (انحصارگرایی، کثرت گرایی و شمول گرایی)، افرادی کوشیده‌اند مدل‌های متفاوتی از مسئله تنوع ادیان ارائه دهند که از آن جمله می‌توان به نیتز در کتاب مقدمه‌ای بر الهیات ادیان<sup>۱</sup> اشاره کرد؛ در مدل چهارگانه او، رویکردهای جایگزینی، تحقیقی، مشارکتی و پذیرندگی در رابطه با تنوع و گفتگوی الهیاتی مطرح شده‌اند. در شرایطی که رویکرد پذیرندگی بر رد هرگونه مطلق گرایی و اطمینان نسبت به درستی یک راه معنوی تأکید می‌کند و رویکرد مشارکتی تمام ادیان را ترکیبی از حقایق و اشتباهات برمی‌شمرد که از طریق فهم متقابل آن‌ها می‌توان به حقیقت دست یافت، دو رویکرد دیگر از اساس به ادیان ابراهیمی مربوط می‌شوند. رویکرد جایگزینی که به‌طور خاص درباره مسیحیت ابراز شده، خود به دو گونه کلی و جزئی تقسیم می‌شود و بیان دیگری از انحصارگرایی به نظر می‌رسد؛ بدین ترتیب که جایگزینی کلی - آن‌چنان که در آرای کارل بارت و عقاید کلیساهای انجیلی بنیادگرا<sup>۲</sup> دیده می‌شود - تمام ادیان را برخفا دانسته و در عوض هسته اساسی یک دین را تنها حامل حقیقت محض برمی‌شمارد و جایگزینی جزئی - آن‌چنان که شورای جهانی کلیساها<sup>۳</sup> بیان داشته - اگرچه احتمال دسترسی دیگر عقاید و ادیان به حقیقت را انکار نمی‌کند، نیل به نجات را تنها منحصر به مسیحیان می‌داند. رویکرد تحقیقی ادیان ابراهیمی دیگر را نیز لحاظ می‌کند، به طوری که بر اساس آن، مسیحیت، شکل تحقق یافته آرمانی یهودی به شمار رفته و اسلام نیز می‌تواند به‌عنوان به کمال رساننده یهودیت و مسیحیت تلقی گردد. آن‌چنان که کارل رانر در ایده چالش برانگیز «مسیحیان ناشناخته» به افرادی اشاره می‌کند که از نجات برخوردار بوده اما بشارت انجیل را چه در گذشته و چه حال نشنیده‌اند،<sup>۴</sup> در رویکرد تحقیقی این توقع وجود

1. Knitter, P. F., *Introducing Theologies of Religions*, New York, Orbis Books, 2002, p. 40-50.

2. Fundamentalist/Evangelical churches

3. World Council of Churches

4. Pekarske, D. T., *Abstracts of Karl Rahner's Theological investigations 1-23*. Milwaukee, Marquette Marquette University Press, 2002, p. 405.

دارد که شایستگان حقیقت و نجات در دیگر ادیان - با ظهور دین جدید و در ادامه جستجوی معنوی خویش - به شکل نهایی دین رهنمون گردند. رویکرد اخیر، اغلب در فضای الهیاتی آمریکایا، به مسئله‌ای مربوط دانسته شده که الهیات تدبیرگرا<sup>۱</sup> و الهیات عهد<sup>۲</sup> در مواجهه با آن سر برآورده‌اند: کشف و تفسیر روایتی کلان از خودمنکشف‌سازی خدا<sup>۳</sup> در کتاب مقدس به منظور فهم نقشه خداوند برای رهایی بشر در هر دوره از زمان. با وجود برخی نقاط اختلاف، رابطه میان قوم اسرائیل و کلیسا و در نگاهی کلی‌تر، رابطه میان عهد عتیق و عهد جدید که به‌طور مستقیم به موضوع تمایز یهودیان و مسیحیان به مثابه افراد «برگزیده» خداوند مربوط می‌شود، در مرکز توجه این دو گرایش الهیاتی قرار دارد.

عهد خدا با ابراهیم و گزینش ذریه او از میان دیگر مردمان، علاوه بر این که عنصری اساسی در نام‌گذاری و هویت‌یابی ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود، به لحاظ الهیاتی نیز واجد اهمیتی بنیادین است. در هر سه متن مقدس، انتساب به ابراهیم و دعوی برگزیدگی ناشی از این انتساب با تأکیدات متفاوتی مورد اشاره قرار گرفته است. نواک در ضمن بررسی ایده برگزیدگی قوم اسرائیل، انتخاب ابراهیم از سوی خالق جهان و شکل‌گیری رابطه‌ای خاص میان این دو در سفر پیدایش را بزرگترین مداخله معجزه‌آسای فیض الاهی در طبیعت و تاریخ و سرآغازی برای تمایز مردم یکتاپرست با دیگر انسان‌ها برشمرده است.<sup>۴</sup> لونسون در مقایسه روایت‌های مختلفی که در متون مقدس یهودی، مسیحی و اسلامی درباره ابراهیم شکل گرفته، ابعاد قابل توجهی را به بحث گذاشته است: برخلاف پیشینه مسیحی که نمی‌توان تمایل به تقدیس تمثال‌ها در این آیین را نادیده گرفت، در یهودیت متأخر و اسلام بر عنصر بت‌شکنی ابراهیم تأکید می‌شود. همچنین، تلاش برای پیوند دادن ابراهیم به صورت‌بندی‌های متأخر درباره

1. dispensational theology

2. covenant theology

3. self-revelation of God

4. Novak, D., *The election of Israel: the idea of the chosen people*, New York, Cambridge University Press, 1995, p. 137.



هویت و نجات، در ایده آگاهی پیشینی ابراهیم از فرامین تورات در تفاسیر متأخر یهودی و نیز ایده پولس که ابراهیم را الگویی برای ایمان مسیحی برمی‌شمارد، قابل اعتنا به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup> سوینی با کمک گرفتن از ایده جایگزینی، به شیوه‌های هم‌سوئی پرداخته است که مسیحیت و اسلام برای تفسیر عهد ابراهیم در کتاب مقدس عبری در پیش گرفته و از آن برای تأیید حقایق مورد ادعای خود استفاده کرده‌اند؛ با وجود این که هر دو دین بر میراث معنوی ابراهیم و برگزیدگی ذریه او تکیه می‌کنند، مدعی هستند که آیین حقیقی ابراهیم از طریق آن‌ها استمرار یافته است، به گونه‌ای که اگر او در زمان عیسی یا محمد زندگی می‌کرد، در کنار آنان و در شمار پیروان‌شان قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup> فایرستون در کتاب چه کسی قوم برگزیده واقعی خداست؟ به‌طور مشخص به ادبیات برگزیدگی در متون مقدس ادیان ابراهیمی می‌پردازد و پیشینه این مفهوم را در تاریخ این سه دین ردیابی می‌کند. از نظر او، سنت یکتاپرستی چنان با ایده برگزیدگی عجین شده که تصور آن بدون در نظر گرفتن انگاره‌ای از مومنان حقیقی که رابطه‌ای خاص، صمیمی و انحصاری با یک خدای بزرگ دارند، دشوار است.<sup>۳</sup> فایرستون در بررسی‌های خود مفهوم «برگزیدگی به‌مثابه تاریخ سنت‌های یکتاپرست» را مطرح کرده و معتقد است ایده برگزیدگی، اگرچه ابتدا در درون دینی قبیله‌ای در خاور نزدیک باستان پدید آمده، از طریق قوم اسرائیل و در واکنش به استیلای یونان در حوالی قرن چهارم پیش از میلاد، با مفهوم یکتاپرستی در آمیخت و به آن جنبه‌ای انحصارگرایانه بخشید. این ایده بعدها در پیدایش مسیحیت و شکل‌گیری کلیسا مؤثر افتاد و نیز به یهودیت حاخامی امکان داد تا پس از ویرانی معبد، هویت خود را در میان دیگر اقوام و ادیان حفظ کرده و توسعه دهد. با وجود این، جنبه انحصارطلبی ایده برگزیدگی در زمان ظهور اسلام و به واسطه مواجهه با دیگر ادیان یکتاپرست کاهش یافت و در

1. Levenson, J. D., *Inheriting Abraham: The Legacy of the Patriarch in Judaism, Christianity, and Islam*, New Jersey: Princeton University Press, 2012, p. 113-172.
2. Sweeney, M., *Islam and Christianity: Comparing the Theory of Supersession Concerning Abraham* (Master's thesis), 2014, p. 66-73.
3. Firestone, R., *Who are the real chosen people?: the meaning of chosenness in Judaism, Christianity, and Islam*, United States, SkyLight Paths Publishing, 2008, p. 147.

چشم انداز نجات، جایی برای آن‌ها که «اهل کتاب» نامیده شدند، در نظر گرفته شد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، بررسی مفهوم هویت و نجات در متون مقدس ابراهیمی با ادبیات برگزیدگی و موضوع انتساب به ابراهیم و تفسیر عهد او با خداوند ارتباطی ناگسستی دارد.

### ۳. روش‌شناسی: جهان‌بینی معناشناسانه متن مقدس

درک معانی متون مقدس مستلزم آگاهی از گفتمانی است که به نحوه ارتباط میان کلمات و مفاهیم درونی آن‌ها شکل می‌دهد. همچنان که می‌توان از طریق بررسی تحلیلی کلمات کلیدی زبان، جهان‌بینی قومی را شناخت که برای سخن گفتن، اندیشیدن و به تفسیر درآوردن جهان از آن استفاده می‌کنند، به وسیله تحلیل روش‌مند کلمات کلیدی متن مقدس دین نیز می‌توان مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای را شناسایی کرد که باورمندان به آن برای خود فراهم می‌آورند.<sup>۲</sup> مبتنی بر این رویکرد معنی‌شناسانه و بر اساس مدلی که توشیهیکو ایزوتسو درباره بررسی میدان‌های معنایی کلمات در یک متن مقدس - به‌طور مشخص قرآن - ارائه داده است، می‌توان به درک گفتمانی که حول مفاهیم هویت و نجات در متون مقدس ادیان ابراهیمی شکل گرفته، نزدیک شد. در این مقاله، روش ایزوتسو مبنی بر بررسی معانی نسبی کلمات کلیدی یک متن مقدس که به شکل‌گیری «جهان‌بینی معناشناختی»<sup>۳</sup> آن منجر می‌شود، در رابطه با موضوع خاص هویت و نجات به کار گرفته شده است. بدین ترتیب که واژگان مربوط به این موضوع همچون یک میدان معناشناختی<sup>۴</sup> در نظر گرفته شده و فرایند ساخته شدن و تکامل آن‌ها در تناظر با آرمان‌ها و علایق غالب

1. Firestone, R., "Chosenness and the Exclusivity of Truth", *Learned Ignorance: Intellectual Humility Among Jews, Christians, and Muslims*, Heft, J. L., Firestone, R., and Safi, O. (eds.), New York, Oxford University Press, 2011, p. 123-5.

2. Izutsu, T., *God and Man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic Weltanschauung*, Petaling Jaya, Malaysia, Islamic Book Trust, 2008, p. 3.

3. semantic weltanschauung

4. semantic field

جوامع یکتاپرست در دوره‌های مختلف تاریخ که در متون مقدس ادیان ابراهیمی انعکاس یافته، بررسی می‌شوند.<sup>۱</sup> در مطالعه حاضر که در چارچوب پارادایم تفسیری انجام می‌شود، معانی و تحولات مرتبط با دامنه هویت دین‌باوران و در نتیجه رستگاران از طریق بررسی روش‌مند کلیدواژه‌های کتاب مقدس عبری، عهد جدید و قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این بررسی، الگوی ایزوتسو در تحلیل جهان‌بینی معناشناسانه متن مقدس، با دو ملاحظه روش‌شناختی به کار گرفته شده است. نخست این که دامنه بررسی کتاب مقدس عبری و عهد جدید را نیز دربر گرفته و دوم آن که از میان تقابل‌های تصویری متعددی که می‌تواند میدان‌های معناشناختی متن مقدس را تشکیل دهد، تنها به مواردی اکتفا شده که پیوند هویت و نجات را دربر می‌گیرد؛ بر این اساس، نگارندگان درصدد تقلیل دادن کل محتوای این متون مقدس به موضوع مورد بحث نبوده و تنها یک میدان معناشناختی را در این متون بررسی‌انند.

در دومین نموداری که ایزوتسو در فصل سوم کتاب خود ارائه داده<sup>۲</sup>، به رابطه عمودی جامعه مؤمنان با خدا و نیز رابطه افقی آن با دیگر هویت‌های دینی (اهل کتاب، منافقان و کافران) به‌طور همزمان توجه شده است. این نمودار مبنای مناسبی برای بررسی مفهوم هویت و نجات در تاریخ شکل‌گیری متون مقدس ادیان ابراهیمی فراهم می‌آورد؛ بدین شرح که در هر یک از این متون، مختصات رابطه مومنان با خدا، بر کیفیت ارتباط آنان با هویت‌های اجتماعی موازی تأثیرگذار قلمداد شده و تحول این تصور در طول زمان، باعث پدیدآمدن ایده‌های متفاوتی درباره هویت و نجات در متون مقدس متأخر گردیده است. بر این اساس، در بررسی متن مقدس هر یک از سه دین ابراهیمی، ابتدا به ترسیم میدان معناشناختی هویت و نجات در آن متن می‌پردازیم و سپس به تحول گفتگو درباره میراث برگزیدگی ابراهیم و شکل‌گیری جامعه دینی جدید در آن مرحله، توجه خواهیم کرد.

1. Ibid, p. 16-22

2. Ibid, p. 82.

#### ۴. تحلیل دیالکتیک هویت و نجات در متون مقدس ابراهیمی

##### ۴-۱. شخصیت بخشی و مکان مندی نجات در کتاب مقدس عبری

فارغ از ملاحظاتی که بر سر منابع مختلف و تاریخ تدوین تنخ (تورات، انبیا و مکتوبات) وجود دارد، طبق گزارشی که در بخش نخست کتب انبیا ذکر شده، پیدایش اسرائیل به عنوان یک جامعه دینی متمایز، در جریان پیروزی عبرانیان بر ساکنان سرزمین کنعان رقم خورده است. آنچه این غلبه را توجیه می‌کرد، باور به مداخله جانبدارانه خدایی یکتا بود که به تدریج از اعتقاد به خدایی قبیله‌ای سربر آورده و بعدها که با نام یهوه شناخته شد، از اسرائیلیان و سپس یهودیان برای برتری بر دیگر مردمان روی زمین حمایت کرد.<sup>۱</sup> اگرچه حضور بنی اسرائیل در کنعان در ابتدای سفر تثبیه به صورت تحقق یک پیشگویی مطرح می‌شود (تثبیه، ۱: ۸)، روایت سفر پیدایش به گونه‌ای است که نشان می‌دهد برخورداری از اموال، گسترش خانواده و استقرار در سرزمینی جدید در ازای پرستش و فرمان‌بری از یک خدای خاص و متمایز با دیگر اقوام، پیش‌تر و در زمان خود ابراهیم به مثابه نیای این جماعت نیز اتفاق افتاده است (پیدایش، ۱۲-۲۴). خروج ابراهیم از سرزمین مادری، رفت و برگشت به مصر و سپس استقرار در کنعان که با حمایت یهوه رقم خورده است، به مثابه یک الگو درباره ذریه او تا زمان حضور اسباط اسرائیل در سرزمین موعود نیز تکرار می‌شود؛ درباره یعقوب (پیدایش، ۲۶-۳۷)، فرزندان او که سال‌ها بعد همراه موسی از مصر خارج شدند (خروج، ۱۹: ۸-۱) و در نهایت درباره ورود یوشع به کنعان (یوشع، ۱۱: ۲۳-۱۴) این الگوی تکراری در کتاب مقدس عبری منعکس شده است. بدین ترتیب، نخستین اجتماع مذهبی در کتاب مقدس عبری، با تأکید بر تمایز بنیادین با دیگر اقوام و پیروزی بر آنان شکل گرفته است؛ به این شرح که بنی اسرائیل سرزمینی مملو از بیگانگان بت پرست را به پشتوانه عهدی با یهوه که در آن به عنوان قوم برگزیده او شناخته شده، تصاحب می‌کند.

1. Leeming, D., *Jealous gods and chosen people: the mythology of the Middle East*, New York, Oxford University Press, 2004, p. 88.

چنانچه بخواهیم میدان معاشناختی هویت و نجات در تنخ را ترسیم کنیم، کلیدواژه‌های یهوه (خروج، ۳۴: ۱۴؛ تثیه، ۴: ۳۷-۳۵)، ذریه ابراهیم (پیدایش، ۱۷: ۲۲-۱۵ و ۲۳-۲۱ و ۴۶: ۲-۴؛ خروج، ۱۹: ۸-۱)، عهد ابدی (پیدایش ۱۳: ۱۷-۱۴ و ۱۷: ۴-۹ و ۴۸: ۳-۴)، ختنه (پیدایش، ۵: ۸-۳ و ۱۷: ۱۴-۱۰؛ خروج ۱۲: ۴۸؛ یوشع، ۵: ۳-۸)، سرزمین موعود (پیدایش، ۱۲: ۱ و ۱۲: ۷ و ۱۵: ۷؛ تثیه، ۱: ۸) و اقوام بت پرست (تثیه، ۷: ۱؛ ۸: ۲۰-۱۹) و نامختون (لاویان، ۲۶: ۴۱؛ اول سموئیل، ۱۴: ۶ و ۱۷: ۲۶ و ۳۶؛ دوم سموئیل، ۱: ۲۰) در درون آن جای می‌گیرند. این کلیدواژه‌ها در نسبت با یکدیگر پدیدآورنده معنایی به شمار می‌روند که در متن مقدس با عنوان برگزیدگی، احساس تقدس و نیز تمایز نسبت به دیگر افراد بشر مورد اشاره قرار گرفته است (تثیه، ۱۴: ۲ و ۷: ۸-۷؛ خروج، ۱۹: ۵-۶)؛ این برگزیدگی، از یک سو به نوعی حس استحقاق برای برخورداری از موهبتی الهی و مالکیت سرزمینی معین (پیدایش، ۱۵: ۲۱-۱۸) دلالت می‌کند و از سوی دیگر به دغدغه‌ای همیشگی مبنی بر عدم اختلاط دینی و نژادی با دیگر اقوام و نیز خیانت به خدایی ارتباط پیدا می‌کند که بهره‌مندی از موهبت مذکور و توسعه آن، نتیجه مستقیم عمل به فرامین و پاسداشت پیمان اوست (تثیه، ۱۹: ۸-۹؛ آموس، ۳: ۲). در محور عمودی نمودار الگو، متن مقدس یهودی تقابلی را به تصویر می‌کشد که در یک سوی آن یهوه به‌مثابه خدایی غیور (خروج، ۲۰: ۵-۴ و ۳۴: ۱۴؛ تثیه، ۴: ۲۴-۲۳ و ۵: ۸-۹) و در قالب نقش‌هایی چون پدر (تثیه، ۱: ۳۱)، شبان (مزامیر، ۷۷: ۲۰ و ۵۳-۵۲) و جنگاور (تثیه، ۹: ۳-۵) قرار دارد و در سوی دیگر آن، مردمانی با نسب و سرگذشتی مشترک که در درون روایت تاریخی خاصی به سر برده و حاکمیت ابدی بر سرزمینی مشخص را به‌عنوان وعده محتوم آن خدا انتظار می‌کشند. در محور افقی، کتاب مقدس عبری تقابلی را ترسیم می‌کند که میان قوم اسرائیل و بیگانگانی که در همسایگی آن‌ها به سر می‌بردند برقرار بوده است؛ این تقابل، تنها به نژاد و قومیت منحصر نبوده و اختلاف در پرستش و آیین را نیز دربرمی‌گیرد و از آنجا که چالش اصلی بر سر زیست‌گاه و تصرف سرزمین در جریان است، اقوام بیگانه در قالب دشمنان گمراه و شریری به تصور درآمده‌اند که قلمرو فتح‌شده اسرائیل را احاطه کرده و در نتیجه باید از میان برداشته شوند (تثیه، ۷: ۱-۶). قابل توجه است که در

محور عمودی، یعنی رابطه اسرائیل با یهوه، عنصر پرستش - آن چنان که نزد مردم مصر و بین النهرین در قالب باور به قوای طبیعی و عبادت مصنوعات مقدس و شرکت در جشنواره‌های موسمی وجود داشت - به چشم نمی‌آید؛ بلکه کتاب مقدس عبری حضور گروهی از آدمیان در پیمانی رسمی و ابدی با خدا را روایت می‌کند که طی آن، ذریه ابراهیم به فرامین یهوه گردن می‌سپارند و در مقابل، از حمایت او برخوردار می‌شوند. تأثیر این تمایز در محور افقی یعنی رابطه اسرائیل با اقوام پیرامون خود، در قالب تأکید بر تمایز فرهنگی با پرستندگان بت‌ها و خدایان دروغین و تلاش برای استیلای مادی و نظامی بر آنان پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه پیمانی و ایده برگزیدگی در محور عمودی، به مفهوم غلبه بر اقوام همسایه و استیلا بر سرزمین موعود در محور افقی پیوند می‌خورد. در مراحل متأخر سنت باستانی یهود، شکل کامل‌تری از رابطه میان این دو محور در کتاب مقدس عبری آشکار می‌شود و این روایت پدید می‌آید که یهوه اسرائیل را برگزید تا سرزمینی را تصرف کند و سپس او خود در آن ساکن شود. در شرایطی که داود از گزند دشمنان رهایی یافت و بر تخت پادشاهی خود در اورشلیم تکیه زد و یهوه همچنان در خیمه مقدس حضور داشت، مفاد پیمان پیشین متحول شد و خداوند در ازای تجدید عهد ابدی خود با ذریه اسرائیل، در قلب سرزمین موعود و بر فراز پادشاهی مستقر در آن جای گرفت (مزامیر، ۷۲: ۱۹-۱؛ دوم سموئیل، ۷: ۱۴-۱). همچنین، اورشلیم در حالی از میان سرزمین‌های گوناگون سربرآورد که از یک سو مرکز اجتماع اسرائیل و پایتخت ابدی پادشاهی آن به شمار می‌رفت (مزامیر، ۴۸: ۱۴-۱) و از سوی دیگر کانون پرستش یهوه و مکان مقدس اجرای فرامین او در زمین، جلوه تحقق برتری‌اش بر دیگر خدایان و محل آشکار شدن جلال او در جهان بود (تثنیه، ۱۲: ۲۹-۱؛ اشعیا، ۶: ۱-۳). بدین ترتیب، در تلاقی خداپرستی و ملی‌گرایی، مرزهای پادشاهی خدا به مرکزیت اورشلیم از یک سو به عنوان سرحدات کشور اسرائیل به مثابه یک قوم یا ملت شناخته شد و از سوی دیگر حد فاصل میان تقدس و ناپاکی در تقابل شرک و یکتاپرستی در نظر گرفته شد (اشعیا، ۵۲: ۱). به نظر می‌رسد «تعلق خاطر به سرزمین مستقل یهودی و وفاداری به پادشاهی مقدس حاکم بر آن» در میدان معناشناختی هویت و نجات در کتاب مقدس عبری از بیشترین تأکید برخوردار باشد؛

چیزی که در مراحل بعدی تاریخ، از جمله تجربه اسارت بابلی، مقاومت در برابر هجوم یونانیان و نیز ویرانی دوباره معبد توسط رومیان، همواره به عنوان عنصری هویت بخش حضور داشته و الهام بخش اندیشه نجات بخشی مسیحایی نیز بوده که با آرزوی بازگشت قوم برگزیده به سرزمین موعود عجین شده است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۴. استعلا و گسترش مرزهای نجات در عهد جدید

مسیحیت نخستین، چه در اجتماع گوشه گیر اسنی ها<sup>۲</sup> ریشه داشته باشد، چه به رسالت و سرنوشت عیسی تاریخی و تلاش های تبلیغی رسولان وی مربوط شود و چه مرهون تأسیس کلیساهای متعدد در کرانه های مدیترانه باشد، پس زمینه های روشنی در میراث یهودی پیش از میلاد و به طور مشخص آثار به جامانده از انبیای اسرائیل دارد. طبق گزارش کتاب مقدس عبری، پیامبران در مواجهه با وضعیت ناگوار دینی و سیاسی یهودیان، دست اندر کار ارایه تصویر جدیدی از یهوه و رابطه او با ملت برگزیده اش شدند. اگر پیش از آن دوره، یهوه اغلب در هیئت مرد جنگی و پادشاه به تصور درمی آمد، در مواظ انبیا با عناوینی چون «شوهر» (هوشع، ۲: ۱۶؛ حزقیال، ۱۶: ۸؛ ارمیا، ۳: ۱۴ و ۳۱: ۳۲؛ اشعیا، ۵۴: ۵) و «قاضی» (اشعیا، ۴: ۲ و ۳: ۱۳ و ۳۳: ۲۲ و ۶۶: ۱۶؛ یوئیل، ۳: ۱۲؛ حزقیال، ۳۳: ۲۰؛ ارمیا، ۱: ۱۶) از او یاد می گشت و اقتدار و برکتی که در گذشته منحصر به کاهنان و شاهان بود، در زبان آنان به آحاد اسرائیل تسری داده می شد (یوئیل، ۲: ۲۹-۲۸؛ اشعیا، ۵۵: ۱-۵). همچنین، با وجود معتبر دانستن شریعت و عهدهای پیشین، بر پیمان ابدی میان خداوند و قوم برگزیده او تأکید شد (حزقیال، ۳۷: ۲۶-۲۴) و اگرچه اقوام و ملل بیگانه به واسطه تکبر، بت پرستی و خشونت (اشعیا، ۱۶: ۷-۶ و ۱۹: ۱؛ آموس، ۲: ۱) و نیز بدرفتاری با قوم خداوند (ارمیا، ۵۰: ۱۸-۱۷) نکوهش می شدند، به این امید دامن زده شد که در نتیجه انتشار جلال خداوند در میان امت ها، برخی از آنان در زمره اسرائیل درآمده و در روزی که خیمه افتاده داود دوباره برافراشته شود، به

۱۵  
پوشنامه ادیان

1. Gürkan, S. L., *The Jews as a chosen people: tradition and transformation*, New York, Routledge, 2009, p. 100.

2. the Essenes

اورشلیم وارد خواهند شد (اشعیا، ۶۶: ۲۲-۱۹؛ آموس، ۹: ۱۲-۱۱). انبیا به موازات این که اسرائیل را آلوده به گناه و متصف به پیمان شکنی در رابطه با خداوند توصیف کرده و نسبت به وقوع کیفر الهی و مجازات او هشدار می دادند، تجدید دوران شکوهمند پادشاهی و نوسازی وضع پریشان موجود در پرتو ظهور فرمانروایی نجات بخش را در کانون پیش گویی های خود درباره آتیه قوم گنجانده (اشعیا، ۹: ۷-۶؛ ۵۵). از آنجا که اورشلیم، پیشتر به عنوان سرزمین موعود به اسرائیل اعطا شده بود، برای نجات از وضع آن زمان که با عصر طلایی معبد و سلطنت داود و سلیمان در تضادی آشکار به سر می برد، سخن گفتن از دست یابی به سرزمین و سلطنتی دیگر امکان پذیر نبود و بنابراین، انبیای این دوره از «اورشلیم نو» و «پادشاهی مسیحایی» سخن به میان آوردند. آنان از یک سو اورشلیم موعود را چنان توصیف می کردند که در اوج امنیت، قداست و جذابیتی بی نظیر دروازه های آن به روی زائرانی از تمام امم گشوده شده و خطوط راهنمای جامعه ای که باید از نو ساخته شود، از کوه صهیون ساطع می گردد (حزقیال، ۲۰: ۴۴-۴۰ و ۴۸: ۴۵؛ زکریا، ۱۴: ۲۱-۲۰) و از سوی دیگر، پادشاهی ابدی خدا را برای همیشه در آن مستقر فرض و تمرد از آن را منتفی قلمداد می کردند (اشعیا، ۲۹: ۲۲ و ۵۵-۴۰؛ میکاه، ۷: ۲۰). در کتب انبیای این دوره، از شریعت تازه ای سخن گفته شد که خداوند در باطن قوم بنا خواهد کرد و از این طریق، روح تازه ای در درون ایشان خواهد دمید (ارمیا، ۳۱: ۳۱-۳۲؛ حزقیال، ۳۶: ۲۷-۲۶) و چه بسا دامنه باورمندان به خدا، از مرزهای اورشلیم و معبد مقدس آن فراتر خواهد رفت. در این راستا، می توان شواهد متعددی از عهد جدید را برشمرد که در آنها، گفتگوی ناتمام هویت و نجات در کتاب مقدس عبری، در ساحتی نو از سر گرفته شده است. به عنوان مثال، آن بخش از کتاب هوشع که در آن خداوند منکر انتساب اسرائیل به خود شده (هوشع، ۱: ۱۰-۶)، در نامه پولس به رومیان به مثابه زمینه ای برای التفات خداوند به دیگر امت ها و شناخت جلال او توسط آنها تفسیر گردیده است (رومیان، ۹: ۲۷-۲۳). طبق جمع بندی بار کلی راجع به معنای نجات در کتاب مقدس، علاوه بر مفاهیم «رهایی از دشمنان» و «رهیدن از بیماری و خطر جسمانی» در نسخه سبعینیه، در عهد جدید مفاهیم دیگری از جمله «دورماندن از آلودگی فکری و گم گشتگی»، «رهیدن از گناه»، «پشت سر گذاشتن غضب و درآمدن به



صلح و حیات» و بالاخره نجات در افق آخرت‌شناختی به میان آمده است.<sup>۱</sup>

چنانچه بخواهیم میدان معناشناختی هویت و نجات در عهد جدید را ترسیم کنیم، کلیدواژه‌های مسیح (غلاطیان، ۳: ۲۶-۲۷؛ اول قرنتیان، ۱۵: ۵۷؛ اول پطرس، ۳: ۱۵)، ایمان (رومیان، ۴: ۱۳-۱۴؛ غلاطیان، ۳: ۱۱؛ افسسیان، ۳: ۱۶-۱۷؛ عبریان، ۱۱: ۶)، محبت (رومیان، ۱۳: ۱۰-۸؛ غلاطیان، ۵: ۱۳-۲۲؛ اول قرنتیان، ۱۳: ۱۳)، ملکوت آسمان (متی، ۱۰: ۷ و ۱۸: ۳؛ مرقس، ۴: ۲۶) و امم غیریهودی (متی، ۱۰: ۶-۵؛ اول قرنتیان، ۱: ۲۴-۲۳؛ اعمال، ۲۸: ۲۸) در درون آن جای می‌گیرند. این کلیدواژه‌ها پدیدآورنده جهان معناشناختی متفاوتی نسبت به متن مقدس عبری هستند که آشکارا در اصطلاح «عهد جدید» منعکس شده است؛ تفسیر مأموریت و رستخیز عیسی مسیح در میان رسولان در سال‌های پس از واقعه تصلیب، از یک سو به بازنگری درباره ماهیت پیمان خدا با بشر مربوط می‌شود و از سوی دیگر به ترسیم مجدد مرزهای باورمندی می‌انجامد. در محور عمودی نمودار الگو، از آنجا که خدای عهد جدید تجربه تصلیب و رستخیز را از سرگذرانده، رابطه‌ای متفاوت با مؤمنان برقرار می‌کند که اساس آن نه بر دادوستد و قرارداد که بر مبنای ایمان و محبت است. تأثیر این تحول در محور افقی، در قالب لزوم موعظه دیگر امت‌ها و رساندن بشارت نجات‌بخشی مسیح به آنان پدیدار می‌شود. بدین ترتیب، در نقطه مقابل خداشناسی و ملی‌گرایی یهودی، عهدهای قدیم خداوند با ابراهیم، موسی و داود که به ترتیب، سرزمین، شریعت و پادشاهی را برای قوم برگزیده به ارمغان آورده بود، در متن مقدس مسیحی به چالش کشیده و عهد جدیدی منعقد می‌شود که در یک سوی آن خدا و در سوی دیگر آن، دو جامعه یکتاپرست یعنی یهودیان و پذیرندگان بشارت مسیح قرار دارند. در نتیجه این تحول، مسیر دیگری برای انتساب به ابراهیم شکل می‌گیرد و با تأکید بر وراثت معنوی و اهمیت ایمان (رومیان، ۴: ۹-۱۲)، از میان رفتن مرزهای جسمی و جغرافیایی (اعمال، ۱۰: ۱۵) و نیز طرح ایده «فرزندان عهد» که لزوماً به اسرائیل محدود نمی‌شوند (اعمال، ۳: ۲۶-۲۵؛ رومیان، ۹: ۸-۶)، مسیحیت به‌عنوان دومین دین ابراهیمی پدید می‌آید. به نظر می‌رسد

1. Barclay, W., *New Testament Words*, London: Presbyterian Publishing Corporation, 1974, p.270-8.

«ایمان به مسیح و نجات بخشی او با هدف رهایی تمام اعقاب اسرائیل و نیز همه امت‌ها» (رومیان، ۱۰: ۱۳-۱۲؛ یوحنا، ۳: ۳۶-۳۵)، در میدان معناشناختی هویت و نجات در عهد جدید از بیشترین تأکید برخوردار باشد. مسیح برخلاف موسی و انبیای اسرائیل تنها یک پیغام‌رسان یا رهبر نیست بلکه به جهت برخورداری از نیروی فیض و حیات، آموزگار بشر و الهام‌بخش آفرینشی نو به شمار می‌رود (یوحنا؛ ۱: ۱۷ و ۶: ۳۵-۳۲) و آرامشی که بنی اسرائیل با ورود به سرزمین مقدس به رهبری یوشع تجربه کرده بود، به نحوی ماندگار از طریق ایمان به او قابل دسترس است (عبریان، ۴: ۱۱-۸). همچنین، او پادشاه ابدی و مطلق ملکوتی روحانی است که رشحه‌ای مادی و زمان‌مند از آن، پیش از این توسط داود تجربه شده بود (لوقا، ۱: ۳۳-۳۲). با وجود این، ملکوت مسیح و اورشلیم جدید نه بر روی زمین که در آسمان جانمایی شده‌اند، چرا که عهد جدید نیز - به پیروی از ادبیات مکاشفه‌ای پیشامسیحی - قلمرو سلطنت خداوند را به معبد و تختی در آسمان منتقل کرده و مسیح را در میانه ابرها به تصویر کشیده است (متی، ۱۳: ۲۶ و ۱۴: ۶۲؛ متی، ۲۴: ۳۰ و ۲۶: ۶۴؛ اعمال، ۱: ۱۱-۱؛ مکاشفه، ۱: ۷ و ۴: ۳؛ اول تسالونیکیان، ۴: ۱۷).

#### ۳-۴. شمولیت نجات و آخرت‌شناسی اخلاقی در قرآن

ظهور اسلام در شرایطی رخ داد که از قانونی شدن متون مقدس دو دین یکتاپرست پیشین در دوره باستان متأخر قرن‌ها می‌گذشت و در جغرافیای پیدایش آن، آشنایی با میراث ابراهیمی و کتب مقدس یهودی و مسیحی در سطح قابل توجهی رواج داشت. مفهوم خدای خالق که در شبه‌جزیره عربستان با نام «الله» از او یاد می‌شد و خانه‌ای در قلب مکه به او منتسب بود، زمینه مشترکی میان فرهنگ عربی و ادیان ابراهیمی شناخته‌شده در آن زمان فراهم آورده بود؛ آن‌چنان که در آثار باقیمانده از مردم عرب‌زبان پیش از اسلام نقل شده، کلمه الله به‌طور مشترک به پروردگار کعبه و معبود آسمانی بت‌پرستان و دیگر مردم شبه‌جزیره و نیز خدای یهودیان و مسیحیان ساکن در آن اطلاق می‌شده است.<sup>۱</sup> پیامبر اسلام، از یک سو با مشرکان عرب مواجه بود که به

1. Izutsu, *God and Man in the Qur'an*, p. 106-124.

لوازم اعتقاد خود به الله به مثابه آفریننده جهان و حافظ زندگی و قوانین آن ملتزم نبودند (یونس، ۳۱؛ زمر، ۳۸؛ عنکبوت، ۶۵-۶۰؛ لقمان، ۲۵؛ زخرف، ۱۵-۹ و ۸۷) و در نتیجه پرستش‌بته‌ها نیز در میان آنان رواج داشت و از سوی دیگر، با اقوام یکتاپرستی روبرو بود که اگرچه جدال بر سر شریعت و ایمان آنان را به دو گروه متمایز تقسیم کرده بود، به سبب برخورداری از میراثی مشترک و مکتوباتی هویت‌بخش در میان دیگر اقوام و ملل شناخته‌شده بودند (بقره، ۱۱۳ و ۱۲۰؛ مائده، ۸۲ و ۱۸). بدین ترتیب، اسلام به‌عنوان یک دین جدید در نتیجه رویارویی با این دو جبهه متفاوت پدید آمد و بر همین اساس، عنصر گفتگو در متن مقدس آن کاربرد و اهمیت قابل‌اعتنایی یافت. قرآن در وهله نخست مشرکان، یهودیان و مسیحیان معاصر با خود را طرف گفتگو قرار می‌دهد اما هر آنکه پیام خداوند به مثابه پروردگار تمام مردم عالم را می‌شنود، می‌تواند در سطحی وسیع‌تر مخاطب این گفتگوی فراگیر قلمداد شود (حج، ۱؛ انبیا، ۱۰۷؛ ص، ۸۷؛ قلم، ۵۲؛ یوسف، ۱۰۴). علاوه بر این، ارجاعات انتقادی قرآن به متون مقدس پیشین را می‌توان به مثابه نوعی بینامتنیت آگاهانه در رابطه با سنت یکتاپرستی در نظر گرفت که این امر خود بخش دیگری از گفتگو محوری آن را نشان می‌دهد (بقره، ۸۹ و ۱۰۱؛ آل عمران، ۳ و ۵۰؛ مائده، ۴۸؛ نساء، ۴۷؛ انعام، ۹۲؛ احقاف، ۱۲). به جز مسئله اساسی توحید که قرآن به روشنی درباره آن و اهمیتش قضاوت کرده و موضع سختی در برابر کافران و مشرکان پیش گرفته است (نساء، ۴۸ و ۱۱۶؛ توبه، ۳۰؛ لقمان، ۱۳؛ حج، ۲۶؛ انبیا، ۲۹ و ۱۰۰-۹۷؛ سبأ، ۳۳؛ ابراهیم، ۳۰)، درباره اغلب اختلافات عقیدتی دعوت به نوعی سکوت و تسلیم در آن دیده می‌شود؛ پرسش‌های نظری به علم بی‌انتهای الاهی واگذار شده (بقره، ۱۸۹؛ آل عمران، ۶۶؛ نسا، ۱۵۷-۱۵۳؛ عنکبوت، ۵۳-۵۰؛ اعراف، ۱۸۸-۱۸۷؛ طه، ۱۰۵؛ نازعات، ۴۴-۴۲؛ اسراء، ۸۵؛ مائده، ۴؛ انفال، ۱) و داوری راجع به منازعات دیرپا نیز به روز رستاخیز احاله گردیده است (بقره، ۱۱۳؛ نسا، ۱۵۳؛ نحل، ۹۲ و ۱۲۴؛ یونس، ۹۳؛ حج، ۱۷). بدین ترتیب، توحید قرآنی با نوعی اولویت‌بندی نسبت به مسائل درآمیخته که در صدر آن، اقرار به الوهیت و ربوبیت الله و تسلیم در برابر فرامین او قرار دارد و در مراتب بعدی، پرهیز از قطعیت‌باوری و دعوت به انتظار فرارسیدن قیامت، روشن‌شدن اسرار (طارق، ۹) و تعیین تکلیف امور در پرتو داوری خداوند در

رستاخیز عمومی به میان آمده است (نسا، ۶۵ و ۱۴۱؛ حج، ۶۹؛ ممتحنه، ۳).

چنانچه بخواهیم میدان معناشناختی هویت و نجات در قرآن را ترسیم کنیم، کلیدواژه‌های الله (نسا، ۱۳۱؛ مائده، ۹۷؛ ابراهیم، ۱۰؛ نور، ۳۵؛ فاطر، ۱؛ زمر، ۴۶ و ۶۳-۶۲)، اسلام (انعام، ۱۲۵؛ آل عمران، ۱۹ و ۸۵؛ توبه، ۷۴؛ صف، ۷؛ حجرات، ۱۷؛ زمر، ۲۲؛ مائده، ۳؛ یوسف، ۱۰۱؛ نسا، ۱۶۵)، کفر (بقره، ۱۷۱؛ آل عمران، ۱۰۱ و ۱۷۸؛ نسا، ۵۵ و ۱۵۰ و ۱۶۸-۱۶۷؛ کهف، ۱۰۵؛ نحل، ۸۸)، شرک (سبأ، ۲۲؛ فاطر، ۴۰؛ احقاف، ۴)، آخرت (بقره، ۱۳۰؛ آل عمران، ۸۵ و ۱۴۵؛ هود، ۱۶؛ شوری، ۲۰؛ اعراف، ۱۶۹؛ طه، ۱۲۷؛ نازعات، ۲۵؛ اعلیٰ، ۱۷؛ قلم، ۳۳؛ مومنون، ۷۴؛ غافر، ۳۹) و اهل کتاب (آل عمران، ۷۹-۷۰ و ۱۱۳-۱۱۵ و ۱۹۹؛ عنکبوت، ۴۶؛ مائده، ۶۸-۶۶) در درون آن جای می‌گیرند.

جهان معناشناختی که از مجاورت و ارتباط این کلیدواژه‌ها پدید می‌آید، بیش از هر چیز دیگر بر گفتگو استوار است. دین جدید ابراهیمی که آشکارا تمام انسان‌ها را مخاطب قرار می‌داد، بر سر موانعی که هر گروه از آنان برای تن دادن به حاکمیت مطلق الله بر جهان با آن مواجه بوده تمرکز داشت. در این میان، ابراهیم علاوه بر این که نمونه کامل یک انسان خداپرست به شمار رفته که موضع مناسبی در زندگی اتخاذ کرده (بقره، ۲۵۸)، نقطه شروع خداپرستی معرفی شده و آغازگر سنتی قلمداد گردیده که شایستگی پیروی توسط پیامبران و مردمان خداپرست در طول تاریخ را به دست آورده است (ممتحنه، ۴). از این رو، انتساب به ابراهیم در قرآن بیش از آن که مسئله‌ای راجع به میراث و وابستگی قومی و عقیدتی باشد، موضوعی است که با جهت‌گیری معنوی شخص پیوند دارد (مائده، ۱۴۰-۱۳۰؛ آل عمران، ۶۷؛ نسا، ۱۲۵؛ حج، ۷۸). در محور عمودی نمودار الگو، الله در نهایت قدرت، دانایی، توانایی و تعالی ظاهر شده و در مقام پروردگار عالمیان هیچ حد و مرزی برای سرسپاری به او متصور نیست. الله، خدا و مالک و دانای آسمان و زمین است (نسا، ۱۷۱؛ جاثیه، ۲۷؛ مجادله، ۷) و پادشاهی او بر تمام هستی سایه انداخته است (فتح، ۷). در نتیجه، محور افقی نمودار قرآنی تمام انسان‌ها را دربرمی‌گیرد و مرزهای متعارف میان آنان، دست‌کم در برابر پروردگاری که نشانه‌های خود را در معرض تمام انسان‌ها قرار داده و از زبان رسولان خود با تمام اقوام و ملل در طول تاریخ سخن گفته (بقره، ۱۲۸ و ۱۳۶-۱۳۳؛ آل عمران، ۶۴ و ۱۱۰)،

بی اعتبار می شود. بدین ترتیب، مسیر تازه‌ای که در اسلام برای انتساب به ابراهیم ترسیم می شود، بیش از آن که مبدع امتیاز و تمایز باشد، بر حذف جنبه‌های مزاحم و انحصارگرایانه خداپرستی و تأیید هسته اخلاقی آن تمرکز دارد (آل عمران، ۶۷-۶۵). همچنین، با تأکید بر معاد و رستگاری اخلاقی در جهان پس از مرگ، هر شخص به تنهایی و فارغ از هویت‌های اجتماعی خود در داوری الهی حضور یافته و مسئولیت حیات ابدی خود را بر عهده خواهد داشت (نساء، ۱۲۳؛ مریم، ۹۵؛ انبیاء، ۴۷). در میدان معاشناختی هویت و نجات در قرآن، آنچه‌آن که ایزوتسو خاطر نشان ساخته، «تقابل اخلاقی شکر و کفر (بقره، ۱۵۲؛ نمل، ۴۰؛ لقمان، ۱۲) که به کیفیت حضور انسان در زندگی این جهانی و حیات اخروی مربوط است» جایگزین احساس تعلق به یک قوم و سرزمین مشخص یا تلاش برای مرزبندی افراد و جوامع بر پایه پیچیدگی‌های یک اعتقاد الهیاتی مشخص می شود. برجسته‌ترین تعبیر قرآنی راجع به نجات، حاکی از بی اعتباری مرزبندی‌های ظاهری و شمولیت رستگاری در افقی فراتر از هویت‌های دینی مرسوم و مبتنی بر یکتاپرستی و عمل اخلاقی است (بقره، ۶۲؛ مائده، ۶۹؛ حجرات، ۱۳).

## ۵. مرور نتایج

گفتگو بر سر هویت دینی و موضع‌گیری درباره آن، در متون مقدس ابراهیمی حضوری پررنگ دارد و اغلب با بحث درباره عهد خدا با ابراهیم و تفسیر میراث او دنبال شده است. این واقعیت در طلیعه شکل‌گیری هر دین مورد توجه قرار گرفته و نقشی اساسی در تأسیس هر دین ابراهیمی داشته است. مرور ادبیات مربوط به برگزیدگی نشان می‌دهد که گفتگو بر سر هویت دینی به‌طور پیش‌رونده و تکاملی در طول تاریخ جریان داشته و بازتاب‌های این مسیر دیالکتیک هرمنوتیکی در بخش‌هایی از متون مقدس به یادگار مانده است. با وجود این، تحولات الهیاتی و نیز شرایط فرهنگی و سیاسی در هر مرحله از تاریخ، صورت‌بندی‌های مربوط به هویت دینی را تحت تاثیر قرار داده و در هر یک از این ادیان، عناصر متفاوتی در رابطه با عناصر بنیادین دین و نقطه تمایز مومنان با دیگران مورد تاکید قرار گرفته است.

چنانچه نگاهی مقایسه‌ای به جهان معاشناختی متون مقدس ابراهیمی بیندازیم،

گرایش به گسترش مرزهای خداشناسی و نجات‌شناختی در طول زمان مشهود است. ایده برگزیدگی در کتاب مقدس عبری که با وفاداری قومی خاص به پادشاهی مقدس خدا در نقطه مشخصی از زمین پیوند خورده بود، ابتدا با ظهور مسیحیت به تاکید بر ابعاد درونی و روحانی دین متمایل شد و سپس با پیدایش اسلام از رویکردی اخلاق‌محور و شمول‌گرا برخوردار شد. بدین ترتیب، اگر صورت‌بندی هویت اعتقادی - روحانی در عهد جدید را به‌عنوان نقطه مقابل صورت‌بندی ملی‌گرایانه پیشین در کتاب مقدس عبری در نظر آوریم، آنچه در قرآن درباره هویت دینی صورت‌بندی شده را می‌توان به‌عنوان تلاشی برای فراگیر کردن دو رویکرد پیشین در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر، هم‌زمان با تحول خداشناسی از فضای قبیله‌ای تنخ به سپهر فلسفی عهد جدید و سپس گستره سیاسی - اخلاقی قرآن، دامنه دسترسی به حقیقت و برخوردارگی از نجات نیز در این سه متن متوالی وسعت می‌یابد. علاوه بر این تحولات هرمنوتیکی، نامگذاری جامعه دینی در هر دین ابراهیمی نیز این تحول معناشناختی را به نمایش می‌گذارد؛ در حالی که کتاب مقدس عبری از مومنان به خدای یکتا با عنوان اسرائیل یاد می‌کند که آشکارا به نژاد و دودمان خاصی اشاره دارد، عهد جدید مبتنی بر اعتقاد به معجزه، الوهیت و رستاخیز عیسی آن‌ها را مسیحی می‌خواند، حال آن‌که در قرآن، از امتی سخن به میان می‌آید که تمام انبای بشر بنا بر اتصاف به فضیلت تسلیم در باور و عمل می‌توانند در شمار آن درآمده و مسلم نامیده شوند. بدین ترتیب، حرکت از انحصارگرایی به سمت شمول‌گرایی و نیز کاستن از پیوندهای زمینه‌ای در رابطه با هویت دینی در میدان معناشناختی حقیقت و نجات در متون مقدس ابراهیمی قابل ملاحظه است. انتظار کتاب مقدس عبری مبنی بر برپایی پادشاهی خدا در اورشلیم که عهد جدید آن را به ظهور ثانوی مسیح از آسمان در پایان تاریخ موکول کرده بود، در قرآن به حضوری فراگیر در این جهان و تحقق نهایی در آخرت تغییر یافت. بدین ترتیب، گفتمان معناشناختی متون مقدس ابراهیمی در باب برگزیدگی را می‌توان واجد خط سیری دیالکتیکی قلمداد کرد که از یک سو به گفتگوی آن‌ها با متون پیشین و از سوی دیگر به گشودگی بیش از پیش تاریخ رستگاری و تلاش برای گنجاندن شمار بیشتری از آدمیان در طرح نجات خداوند متکی است.

## فهرست منابع

- Brecht, Maya. (2015) "Soteriological Privilege", *Comparative Theology in the Millennial Classroom: Hybrid Identities, Negotiated Boundaries*. New York: Routledge.
- Brill, Alan (2012). *Judaism and world religions: encountering Christianity, Islam, and Eastern traditions*. New York: Palgrave Macmillan.
- Cohn-Sherbok, Dan (1994). *Judaism and Other Faiths*. London: The MacMillan Press.
- Dale Hughes, H. (1976). "Salvation-History as Hermeneutic", *Evangelical Quarterly: An International Review of Bible and Theology*, 48(2), 79-89. doi: <https://doi.org/10.1163/27725472-04802003>
- D'Costa, Gavin (2003). "Christian theology and other faiths" *In the Routledge Encyclopedia of Theology*, London and New York: Routledge.
- Firestone, Reuven (2008). *Who are the real chosen people?: The meaning of chosenness in Judaism, Christianity, and Islam*. SkyLight Paths Publishing.
- Firestone, Reuven (2011). "Chosenness and the Exclusivity of Truth" *In Learned Ignorance: Intellectual Humility Among Jews, Christians, and Muslims*, Ed. James L. Heft, Reuven Firestone, and Omid Safi, New York: Oxford University Press.
- Gürkan, S. Leyla (2009). *The Jews as a chosen people: tradition and transformation*. New York: Routledge.
- Hays, R. B. (2002). *The faith of Jesus Christ: the narrative substructure of Galatians 3:1-4:11*. Dearborn: W.B. Eerdmans.
- Hick, John (2004). *An Interpretation of Religion: Human Responses to the Transcendent*. 2nd Ed. New York: Palgrave Macmillan.
- Izutsu, Toshihiko (2008). *God and Man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic Weltanschauung*. Petaling Jaya, Malaysia: Islamic Book Trust.

- Kärkkäinen, Veli-Matti (2003). *An introduction to the theology of religions: Biblical, historical, and contemporary perspectives*. Downers Grove, Illinois: InterVarsity Press.
- Knitter, Paul F. (2002). *Introducing Theologies of Religions*. New York: Orbis Books.
- Leeming, David (2004). *Jealous gods and chosen people: the mythology of the zMiddle East*. New York: Oxford University Press.
- Legenhausen, Muhammad (1999). *Islam and Religious Pluralism*. London: Al-Hoda.
- Levenson, Jon D. (2012). *Inheriting Abraham: The Legacy of the Patriarch in Judaism, Christianity, and Islam*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Ludlo, M. & Flower, R. (2020). *Rhetoric and Religious Identity in Late Antiquity*. New York: Oxford University Press.
- Novak, David (1995). *The election of Israel: the idea of the chosen people*. New York: Cambridge University Press.
- Pekarske, Daniel T. (2002). *Abstracts of Karl Rahner's Theological investigations 1-23*. Milwaukee: Marquette University Press.
- Plantinga, Alvin (2000). "Pluralism: A Defense of Religious Exclusivism." In *The philosophical challenge of religious diversity*. Ed. Philip L. Quinn, Kevin Meeker, New York: Oxford University Press.
- Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein (2001). *The Islamic roots of democratic pluralism*. New York: Oxford.
- Sweeney, Mark (2014). *Islam and Christianity: Comparing the Theory of Supersession Concerning Abraham* (Master's thesis). Retrieved from <http://digitalcommons.fiu.edu/etd/1557>
- Tirosh-Samuelson, Hava (2000). "A Jewish Perspective on Religious Pluralism." *Macalester International*, 8(11). Retrieved from: <http://digitalcommons.macalester.edu/macintl/vol8/iss1/11>
- Wright, Nicholas Thomas (2013). *Paul and the Faithfulness of God*. Minneapolis: Fortress Press.



- Yarbrough, R. (2004). *Paul and Salvation History*. In D. A. Carson, M. A. Seifrid, & P. T. O'Brien (Eds.), *Justification and variegated nomism* (Vol. II: The paradoxes of Paul, pp. 297-342). Tübingen: Mohr Siebeck

۲۵

پژوهشنامه ادیان

دینالکتیک هویت و نجات در متون مقدس ابراهیمی